

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگنامه حقوق بشر اسلامی (۲)

حقوق حیات در اسلام

دکتر عباس خواجه پیری

عضو هیئت علمی دانشگاه

و
وکیل پایه یک دادگستری

مشخصات نشر : تهران : انتشارات آثار سبز ۱۳۹۱

مشخصات ظاهری : ۶۸ صفحه - جیبی پالتویی

عنوان و پدیدآور : حق حیات در اسلام

دکتر عباس خواجه پیری

شابک : ۸ - ۱ - ۹۳۶۰۹ - ۶۰۰ - ۹۷۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷ / ۴۶۶

شماره کتابشناسی ملی : ۳۰۸۴۷۶۰

نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۱

شمارگان : ۱۰۰۰ نسخه

بها : ۳۰۰۰۰ ریال

چاپ و نشر این اثر بدون تغییر در محتوای آن

با اطلاع قبلی صاحب اثر بلامانع است .

صفحه	فهرست
۶	• دیباچه مؤلف
۹	• مقدمه
۱۳	• اهمیت حق حیات
۱۶	• مالکیت مطلق خداوند
۱۹	• اهمیت حیات انسان در اسلام
۲۲	• صیانت از حق حیات
۲۵	• اقسام حیات در اسلام
۲۷	• حرمت سلب حیات از دیگران
۳۲	• قانون قصاص ، ضامن بقای حیات بشر
۳۵	• ممنوعیت سقط جنین
۳۸	• حرمت سلب حیات از خویش
۴۲	• سلب حیات مجاز در اسلام
۴۶	• جهاد ، مظهر حیات جاودان
۵۰	• دفاع شرافتمندانه و مشروع
۵۲	• حق معیشت
۵۴	• تدابیر اسلام برای تداوم حیات انسان ها
۶۲	• نتیجه گیری
۶۷	• منابع و ماخذ

• دیباچه مولف

بنا به دعوت رایزن محترم فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در مسکو، اواخر آذر ماه سال گذشته توفیقی دست داد تا در معیت مسئولان محترم بنیاد بعثت به کشور روسیه سفر کنیم و زمینه ها و راهکارهای توسعه ی فعالیت های فرهنگی در آن سرزمین را از نزدیک بررسی و بر اساس امکانات موجود، برنامه ی اجرائی لازم را تدوین نمائیم.

در این سفر ملاقات های مفید و پرباری با شخصیت های مختلف دینی و فرهنگی روسیه و تاتارستان انجام پذیرفت که بویژه در جلساتی که با مسئولین ادارات امور دینی آن دو جمهوری برگزار شد، شاهد اظهار علاقه شدید آنان به ارائه کتب و متون اسلامی و حتی کتاب درسی در زمینه های معارف و اخلاق اسلامی بودیم.

ابرازتمایل وافر مسئولین فوق و نیز جمعیت قریب بیست میلیون مسلمان در فدراسیون روسیه و بویژه در جمهوری های شمال قفقاز و ساحل ولگا ، و نیز مخاطبین فراوان مسلمان و غیرمسلمان در سایر کشورهای

اتحاد جماهیر شوروی سابق (که به زبان روسی تسلط دارند) ، همچنین عادت بسیار پسندیده اکثریت مردم آن دیار به مطالعه در وسائل نقلیه عمومی، موجب گردید موسسه نهضت ترجمه (که از قریب یکسال پیش فعالیت خود را در زمینه ترجمه و نشر الکترونیکی متون مربوط به معارف اسلامی آغاز نموده است) جامعه روسی زبان را به عنوان مخاطب اصلی خود قرار دهد و سازماندهی فعالیت خویش را در این راستا معطوف دارد.

اینجانب نیز به پشتوانه ی مطالعاتی که در بیش از یک دهه در زمینه ی حقوق بشر اسلامی دارم ، بر آن شدم تا با تدوین متونی نسبتاً روان و کم حجم ، و ترجمه و نشر آن به زبان روسی، اصول مترقی حقوق بشر اسلامی را برای آنان ارائه و تبیین نمایم.

بنا به توصیه مدیر عامل محترم بنیاد بعثت ، مقرر شد تا همزمان با ترجمه ی این اثر به زبان روسی، متن فارسی آن نیز منتشر گردد.

خداوند متعال را بر این توفیق شاکرم و از درگاه
ربوبی او توفیق تداوم این اقدام را مسئلت دارم.

دکتر عباس خواجه پیری
دی ماه ۱۳۹۱ هجری شمسی

یا ایّها الناس انا خلقناکم من
ذکر و انثی و جعلناکم شعوباً و
قبائل لتعارفوا، انّ اکرمکم عند
الله اتقیکم، انّ الله علیم خبیر
قرآن کریم - سوره حجرات - آیه ۱۳

• مقدمه

موضوعیت یافتن حقوق بشر، به لحاظ فطری بودن آن، قدمتی معادل عمر بشر در جهان خاکی دارد و از آن زمان که انسان بر این کره خاکی استقرار یافت، مقوله‌ی حقوق بشر نیز متولد گردید و با تعدد و تکثر انسانها و جوامع بشری، رشد و توسعه پیدا کرد و همواره منشاء مبارزات و نهضت‌های حق طلبانه و آزادی خواهانه گردید و بعنوان آرمان جاویدان بشر باقی ماند. مورخین در کاوشها و مطالعات خود به اسنادی دست پیدا کرده اند که به لحاظ قدمت تاریخی به بیش از ۲ هزار سال قبل از تاریخ میلاد حضرت مسیح (ع) تعلق دارند و در متن آنها بر حقوق طبیعی انسانها و آزادیهای اساسی تاکید شده است.

ظهور دین اسلام در سال ۶۱۰ میلادی نیز یکی از زرین ترین و جاویدترین فصول تاریخ بشریت است که به لحاظ محتوای تعالیم آن، بویژه در زمینه حقوق انسان ها، در اندک زمانی در بخش وسیعی از جهان مورد پذیرش و استقبال انسانهای تحت ظلم و ستم قرار گرفت و پیروان بسیاری پیدا کرد.

بنابه گفته ابوالعلا مودودی، متفکر و محقق مشهور، غریبها عادت دارند که هر امر خوبی را به خود منتسب کنند و چنین وانمود سازند که همه مواهب و فضایی که بشریت بر آن دست یافته است، از ایشان نشأت می گیرد ، حال آن که مگناکارتا (منشور کبیر انگلستان) بعنوان نخستین سند تاریخی غرب در زمینه حقوق بشر، که در سال ۱۲۱۵ میلادی توسط جان(پادشاه وقت انگلستان) صادر گردید، بیش از ششصد سال پس از ظهور دین اسلام صادر شده است و این سند و اسناد متعاقب آن، دلیل محکمی بر عقب ماندگی غرب از قافله حقوق بشر و عدم توجه آنان به منزلت انسانی و تاخیر در مبارزه آنان با ظلم و ستم هایی که طی قرون متمادی بر بشریت

رفته است ، محسوب می گردد.

مطالعه مفاهیم حقوق بشری در تعالیم اسلام بوضوح گویای آنست که نظام حقوق بشر در شریعت اسلام و تعالیم پیامبر اکرم(ص) در مقایسه با آنچه در غرب مورد ادعا قرار می گیرد ، به مراتب کامل تر و جامع تر است، و علت این امر تفاوت اساسی دو نظام حقوقی غرب و اسلام در نگرش به انسان و ویژگی های مادی و معنوی اوست. در شریعت اسلام، ملاک های فضیلت، انسانیت و معنویت انسان مورد توجه خاصی قرار گرفته است، حال آنکه دیدگاه غرب نسبت به انسان مبتنی بر عوامل معنوی و اخلاقی نیست.

از طرفی چون اخلاق و مذهب می تواند به عنوان قوی ترین پشتوانه ی اجرای حقوق بشر و حمایت از آن، کاربرد داشته باشد ، لذا تقویت ارزشهای اخلاقی و مذهبی در هر جامعه سبب توسعه حمایت از حقوق بشر می گردد . و انحطاط اخلاقی یا بی توجهی به ارزشهای مذهبی نیز در نقض و سلب حقوق بشر تاثیر مستقیم و منفی دارد. بر این اساس چنانچه قانونمندیها و مقررات

لازم الاجرا در جامعه از پشتوانه عظیم معنوی و اعتقادی افراد آن جامعه برخوردار نگردد، در نهایت نتیجه مطلوب و مورد انتظار ببار نخواهد آورد. عدم توجه ارگانهای حقوق بشری سازمان ملل متحد و اسناد بین المللی موجود به مذهب و اعتقادات دینی موجب عدم موفقیت در توسعه حمایت از حقوق بشر در دنیای امروزی گردیده است، که نتیجه ی آن وضع رقت بار و اسف بار ناشی از نقض حقوق انسانهاست که همه روزه در تمامی نقاط دنیا شاهد آن هستیم .

در این سلسله مقالات ما برآنیم تا با معرفی اجمالی پاره ای از تعالیم ناب اسلامی ، حقانیت شریعت متعالی اسلام را در مقایسه با ادعاهای پرطمطراق ولی پوچ و بی اساس غربی ها بیان کنیم تا همگان بدانند که بشریت تا چه حد وامدار تعالیم اسلام و شریعت پیامبر خاتم(ص) است.

من الله التوفیق

• اهمیت حق حیات :

بی شک پدیده حیات ، مهمترین پدیده عالم هستی است و از میان اقسام حیات، حیات انسان (به عنوان عالیترین وجود در هستی و اشرف مخلوقات) از اهمیت والایی برخوردار است.

اهمیت حیات انسانی از آن جهت است که "انسان" با استعدادترین موجودات و مخلوقات محسوب میشود. آنچه موجب تمایز و برجستگی ارزش حیات انسان نسبت به سایر موجودات است ، در واقع قابلیت ها و استعدادهای جسمی و روحی شگرف و خارق العاده اوست.

شناخت عظمت وجودی انسان، که دارای قدرت تعقل، اندیشه، علم، اراده، وجدان، عشق، کمال گرایی و مدیریت است، آسان نیست ، و این همه تنها بخشی از توان و استعداد حیات انسانی محسوب می شود و گستره و دامنه تاثیر حیات انسان در رابطه با سایر موجودات عالم هستی ، بقدری وسیع و شگفت انگیز است ، که ابعاد مختلف آن بدون وقفه در طول تاریخ همواره مورد

تحقیق و توجه اندیشمندان، فلاسفه و حکما بوده است. مهمترین اصل حقوق فطری، حق حیات برای بشر است، و این مهم در مکاتب مختلف مورد قبول واقع شده است.

حق حیات یکی از حقوق ذاتی و طبیعی انسان است و به عنوان پایه و اساس سایر حقوق انسانی محسوب میشود، زیرا همه حقوق انسانی قائم به وجود خود انسان است، و بدون حق زندگی هیچ حقی برای انسان مفهوم و معنا ندارد.

همچنین فطری بودن حق حیات برای انسان، بدین معناست که وجود این حق نیازی به قانون موضوعه ندارد و بدون وضع قانون نیز این حق برای هر انسانی وجود دارد، بلکه قوانین موضوعه در هر جامعه و نظام می بایست از حق حیات انسان دفاع و صیانت کند و امنیت لازم برای انسان را فراهم و تامین نماید.

اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح می نماید که :
"هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد".

[اعلامیه جهانی حقوق بشر - ماده ۳]

میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز ضمن تاکید بر ذاتی بودن حق حیات و بیان ضرورت حمایت قانونی از آن، سلب خود سرانه این حق و محروم نمودن انسان از حق زندگی را ممنوع اعلام می دارد. { میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی - ماده ۶ - بند ب - ۱ }

• مالکیت مطلق خداوند بر حیات

بی تردید مالکیت مطلق بر حیات همه موجودات با خداوند متعال است .

قرآن کریم می فرماید :

أَلَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا
وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَفُورُ

(قرآن کریم - سوره ملک - آیه ۳)

یعنی: "(خداوند) آنکه آفرید مرگ و زندگی را ، تا ببازماید شما را که کدامین در کردار نیکوترید، و اوست عزتمند آمرزگار."

بنابراین آفرینش و حیات مختص خداوند است و هیچ موجودی قدرت و توان آفریدن و پدید آوردن حیات را ندارد .

حضرت علی(ع) در این خصوص چنین فرموده اند:
"چنانچه همه جانداران جهان؛ از پرندگان و چارپایان آنچه در آغل است و آنچه در بیابان سرگرم چراست، از تمام نژادها و جنبش ها ، درس نخوانده و انسانهای زیرک ، گردهم آیند تا پشه ای را بیافرینند ، توان پدید

آوردن آنرا ندارند، و راه پیدایش آنرا نمی شناسند، بلکه عقل هایشان سرگردان و در شناخت آن حیران می ماند، و نیروی آنها سست و به پایان می رسد، و رانده و درمانده باز می گردند، آنگاه اعتراف به شکست می کنند ، و اقرار دارند که نمی توانند پشه ای را بیافرینند و از نبود ساختنش نیز ناتوانند ... " .

(نهج البلاغه - خطبه ۱۸۶)

تاکید قرآن کریم آنست که خلقت حیات و

مرگ منحصرأ مخصوص خداوند است :

وَ أَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَ أَحْيَا (قرآن کریم - سوره نجم -

آیه ۴۴)

یعنی : « بدرستی که تنها اوست که می میراند و زنده

می کند . »

نشانه قدرت و توانایی خداوند در پدید آوردن حیات

آنست که او حیات را از مرگ و نیستی می آفریند :

وَ آيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا

فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ (قرآن کریم - سوره یس - آیه ۳۳)

یعنی : « و برای ایشان نشانه ای است که زمین مرده را

زنده کردیم و از آن دانه ای که از آن می خورند بیرون آوردیم.»

مالکیت حیات و مرگ انسان ، به عنوان پیچیده

ترین پدیده حیات ، نیز در اختیار خداوند تعالی است :

وَ هُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ

لَكَفُورٌ {قرآن کریم سوره حج آیه ۶۶}

یعنی : « واوست آنکه شما را زنده کرد پس بمیراندتان

وسپس زنده سازدتان ، همانا انسان است بسیار ناسپاس.»

• اهمیت حیات انسان در اسلام :

از دیدگاه اسلام ، زندگی موهبتی است الهی ، و حقی است که برای هر انسانی تضمین گردیده است و در راس همه حقوق انسانی قرار دارد. تا زمانیکه این حق برای افراد یک جامعه تامین نگردد، بحث درباره سایر حقوق انسانی بی مفهوم و بی فایده خواهد بود.

مبنای ارزش حیات انسانی ، ارزش وجودی انسان و قبح تجاوز به حیات اوست. بر این مبنا کشتن یک انسان ، تجاوز به حیات یک انسان محسوب نمی شود، بلکه قتل و تجاوز به حقیقت انسانیت و از بین رفتن قبح قتل نفس محترمه بحساب می آید: قرآن کریم می فرماید: **مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا** {قرآن کریم سوره مائده آیه ۳۲}

یعنی " ... برای این بر بنی اسرائیل نوشتیم که هر کس تنی را نه در برابر تنی یا تبهکاری در زمین بکشد، مانند آنست که مردم را همگی کشته است و آنکس که زنده

سازدش ، گویا مردم را همگی زنده ساخته است ."

حرمت خون انسان در اسلام بقدری است که ارزش حیات و مرگ یک انسان ، برابر با زندگی و مرگ تمام افراد دانسته شده است. پیامبر اسلام (ص) در خطبه وداع خویش ، که در آخرین سال حیاتش در منی در برابر انبوه جمعیت مسلمین ایراد فرمود، با تکیه بر حق انسانها و حرمت خون آنها چنین فرمود : " ای مردم ، حیات شما بر یکدیگر حرام (دارای حرمت) است تا روز قیامت " [سیره ابن هشام - جلد ۲ صفحه ۶۳]

پیامبر اسلام (ص) نیز در اهمیت رعایت حیات انسان ها فرموده است : (درپیشگاه خداوند قتل مؤمن از زوال و نابودی تمام دنیا برتر و بزرگتر است . [کنز العمال - جلد ۱۵ صفحه ۱۹]

همچنین رسول خدا (ص) فرمود : « اگر ساکنان آسمان وزمین درریختن خون مؤمنی با هم شریک شوند ، خدای عزوجل همه آن ها را به روی درآتش دوزخ در اندازد . » [کنز العمال - جلد ۱۵ صفحه ۲۱]

البته نباید پنداشت که حرمت جان انسان ها

اختصاص به مسلمانان دارد و اسلام در خصوص حیات غیر مسلمانان حریمی مقرر نکرده است ، بلکه جان غیر مسلمانان نیز تا زمانی که با مسلمانان و حکومت اسلامی به معارضه و توطئه برنخیزند ، محترم دانسته شده است ، چنانکه پیامبر اکرم (ص) فرموده اند : « هر کس ، کسی را در خونش امان دهد و بعد او را بکشد ، آتش دوزخ براو واجب و لازم گردد ، اگرچه مقتول کافر بوده باشد . » [کنز العمال - جلد ۴ صفحه ۳۶۶]

• **صیانت از حق حیات :**

حفظ و صیانت از حیات و زندگی خود و دیگران از فرایض بزرگ الهی و وظائف یک انسان مسلمان دانسته شده است.

هر فرد مسلمان می بایست علاوه بر حفظ حیات خویش ، از حیات انسان دیگری که مورد تعرض و تجاوز قرار گرفته است ، دفاع کند ، بویژه حق حیات ضعیفان در مقابل ستمگران.

تضمین حق زندگی برای همه انسانها ، وظیفه و تکلیف جوامع و حکومتهاست ، و آنان می بایست ضمن حمایت از این حق ، در مقابل هر تجاوزی علیه حیات انسانها ایستادگی کنند ، و جائز نیست کشتن هیچ کس بدون مجوز شرعی . [اعلامیه حقوق بشر اسلامی - ماده ۲ الف] .

پاسداری از ادامه زندگی بشریت تاهرجائی که خداوند مشیت نماید، وظیفه شرعی می باشد. [اعلامیه حقوق بشر اسلامی - ماده ۲ ج]

علت این که شریعت اسلام ، حیات یک انسان را

برابر با حیات بشریت دانسته است [قرآن کریم - سوره مائده آیات ۳۱ و ۳۲] ، آنستکه حفظ حیات بشر و تداوم نسل انسانها منوط به حفظ حیات آحاد بشری است و بدیهی است که وظیفه صیانت از حیات ، ابتدا بر خود انسان واجب و ضروری است.

علاوه بر حرمت خون انسان، سایر عوامل و خصوصیات که معرف شخصیت انسانی اوست، نیز در اسلام معادل حق حیات انسان مورد توجه قرار گرفته است.

در شریعت اسلام، حرمت مال و آبروی یک مسلمان ، مانند حرمت جان او دانسته شده است، چرا که حیثیت و کرامت انسانی در واقع همان حقیقت انسانیت است که موجب تمایز حیات انسان و سایر موجودات میشود. باید توجه داشت که در نظام حقوقی اسلام، حیات تنها بعنوان یک حق برای انسانها مطرح نیست ، بلکه از آنجا که حیات رحمت و موهبت الهی است ، از یک طرف برای انسان حق برخورداری از این نعمت خدا داد را ایجاد می کند و از طرفی او را مکلف می نماید که الزامات مربوط به حفظ و صیانت از این حق را فراهم

آورد و ضرورت‌هایی که برای تداوم آن وجود دارد
(مانند بهداشت، تغذیه و ...) را رعایت کند.

براین اساس حق حیات، امانتی الهی است که
به دست بشر سپرده شده و او مکلف به حفاظت
و حراست از آن گردیده است. لذا انسان از زیان
رساندن به جسم و روح خویش یا خود کشی (سلب
حیات از خود) منع شده است.

• اقسام حیات در اسلام :

در نظام حقوقی اسلام ، برخلاف سایر نظام های حقوقی ، آنگاه که سخن از حق حیات ، بمیان می آید ، مقصود تنها زندگی و حیات مادی انسان نیست.

گرچه در مراتب حیات موجودات عالم، حیات مادی انسان از مرتبه ای والا تر از مرتبه حیات حیوانات و نباتات قرار دارد، لیکن آنچه از دیدگاه اسلام دارای ارزش و اهمیت ویژه و منحصر به فرد است ، حیات معنوی انسان است که در قرآن کریم به "حیات طیبه" تعبیر گردیده است :

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ
{قرآن کریم سوره نحل آیه ۹۷}

یعنی : " هر مرد وزنی که عمل صالحی انجام دهد، به او حیات پاکیزه می بخشیم و همانا پاداششان دهیم مزدشان را به بهترین چیزی که عمل می کردند ."

حیات طیبه وجه تمیز و تشخیص انسان و سایر موجودات است و نشانه برتری انسان نسبت به سایر موجودات محسوب می شود، زیرا دستیابی به حیات طیبه تنها برای

انسان میسر است و دیگر موجودات از آن بهره ای ندارند. اهمیت حیات مادی انسان و برابر دانستن حیات یک فرد با حیات همه انسانها نیز از آن جهت است که خداوند برای آحاد انسان ها حق زندگی و حیات مقرر فرموده است تا با بهره گیری از این موهبت الهی و استعدادهایی که خداوند در وجود انسان به ودیعت نهاده است ، سیر تکامل معنوی خویش را در پیش بگیرند و به حیات طیبه دست یابند.

بدین ترتیب سلب حیات مادی یک انسان ، تجاوز به " حقیقت انسان " که به عنوان موهبت الهی در همه انسانها وجود دارد و بستر تعالی و تکامل انسانی محسوب می گردد. از منظر مکتب اسلام ، همانطور که هر انسانی از حق حیات و زندگی مادی برخوردار است. حق دارد که در جامعه ای پاک از مفاسد بیماریهای اخلاقی و فتنه به گونه ای که بتواند خود را از لحاظ معنوی بسازد، زندگی کند. بدیهی است همانگونه که حمایت از حیات مادی انسان دارای اهمیت است ، حمایت معنوی او نیز مورد تاکید شریعت اسلام می باشد. [اعلامیه حقوق بشر اسلامی ماده ۱۷]

• حرمت سلب حیات از دیگران :

تجاوز به حیات دیگران و سلب حق زندگی ، از نظر اسلام بزرگترین گناه محسوب می شود . پیامبر اسلام (ص) فرمود :

" زوال و نابودی جهان نزد خداوند ، آسانتر است تا مومنی کشته شود ". [حقوق بشر در اسلام - ص ۲۴]
 شریعت اسلام شخص قاتل و آدم کش را از نظر عذاب اخروی ، وعده خلود در جهنم داده است . قرآن کریم می فرماید :

وَمَنْ يُقْتَلْ مُؤْمِنًا مَّتَعْمِدًا فِجْرًاؤُهُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا وَ
 غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لَعْنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا {قرآن
 کریم سوره نساء آیه ۹۳}

یعنی : " و کسی که مومنی را دانسته و خواسته بکشد ، پس کیفرش دوزخ است ، جاودان در آن ، و خشم آورد خدا بر او و دورش کند و آماده کند برای او عذابی بزرگ " .

بعلاوه در حقوق اسلامی جزای کسیکه بدون مجوز قانونی ، دیگری را به قتل برساند ، در این دنیا کیفر اعدام

معین شده است. قرآن کریم چنین می فرماید :
 وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ قُتِلَ
 مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا.....

{قرآن کریم سوره اسراء آیه ۳۳}

یعنی : " و نکشید تنی را که خدا حرام کرده است، جز به حق ، و آنکه به ستم کشته شود، همانا فرمانروایی برای خونخواه او قرار دادیم."

یکی از ویژگیهای بارز شریعت اسلامی، مبارزه جدی با رسم غیر انسانی زنده بگور کردن دختران بود، که در عصر جاهلیت قبل از اسلام رایج بود و بلافاصله پس از ظهور دین اسلام مورد تحریم قرار گرفت و اسلام با این اقدام وحشیانه به شدت مخالفت و مقابله جدی نمود.

قرآن کریم می فرماید: که در روز قیامت از کسانی که این دختران را زنده بگور کرده اند ، مواخذه و پرسش می شود که این کودکان معصوم به چه گناهی کشته شده اند. [قرآن کریم سوره تکویر - آیات ۸ و ۹]

یکی از نکات مهم دیگر آنست که در حقوق اسلام،

تنها به حیات و حق زندگی برای بزرگسالان اهمیت

داده نشده است، بلکه حیات اطفال و کودکان نیز به همان درجه از اهمیت برخوردار است.

این آیه قرآن کریم گویای اهمیت واقعیت است :
 وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ
 إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا {قرآن کریم سوره حج آیه ۶۶}
 یعنی : " و نکشید فرزندان خویش را از تنگدستی. ما
 ایشان و شما را روزی دهیم ، همانا کشتار آنان لغزشی
 بزرگ است ."

نکته مهم دیگر آنست که ، اشتراک اشخاص در
 قتل یک انسان و تعدد شریک و همدست در تعرض به
 حق حیات یک شخص ، از اهمیت جرم و گناه قاتلین
 چیزی نمی کاهد، چنانکه پیامبر (ص) فرمود: همکاری
 در قتل به هر میزان که باشد ، موجب دوری و یاس از
 رحمت خداوند در روز قیامت خواهد شد. [حقوق
 بشر در اسلام - ص ۴۴]

همچنین نقل گردیده است که در زمان حیات پیامبر
 اسلام (ص) شخصی در مدینه به دست جمعی کشته
 شد ، بنحوی که قاتل او شخص معینی شناسایی نشد ،

پیامبر اکرم (ص) با دریافت این خبر به مسجد آمدند و اعلام فرمودند: " اگر تمام ساکنان آسمان و زمین در قتل انسانی شرکت داشته باشند، خدا همه را عذاب خواهد کرد."

[اسلام و حقوق بشر - ص ۴۹۰ و حقوق بشر در اسلام - ص ۴۴]
 بعلاوه منع قتل انسانها و سلب حیات از آنان در اسلام، اختصاص به مسلمان ندارد، بلکه کلیه اشخاصی که در پناه حکومت اسلامی زندگی می کنند، از این حق برخوردارند و تا زمانی که قصد براندازی و جنگ با حکومت اسلامی را نداشته باشند، خون و مال و جان آنان از حرمت برخوردار است و مورد حمایت حکومت اسلامی قرار دارند، لذا پیامبر اسلام (ص) فرمود: " هر کس اهل ذمه ای را بکشد، خداوند بهشت را بر او حرام می کند". [اسلام و حقوق بشر - ص ۴۹۱]

احکام اسلامی در خصوص قتل نفس و سلب حیات انسان به حدی سخت گیرانه است که حتی پناه دادن به قاتل و سلب کننده حیات دیگران، نیز با مذمت بسیار روبرو گردیده است و از پیامبر اسلام (ص) روایت شده

است که فرمود : « هرکس که قاتل یا مسبب قتلی را پناه دهد لعنت خدا بر او باد » . (وسائل الشیعه جلد ۱۹ صفحه ۱۵)

این نکته نیز در رابطه سلب حیات از دیگران حائز اهمیت است که در حقوق اسلام « اکراه یا اجبار به قتل ، مجوز ارتکاب قتل نیست » . بنا براین اگر کسی را تهدید نمایند که در صورت نکشتن دیگری او را خواهند کشت ، تهدید شونده حق ندارد برای حفظ جان خویش دیگری را بکشد و از او سلب حیات نماید ، زیرا ارزش حیات انسان ها یکسان و محترم است ، و بلکه بالعکس رسول خدا (ص) فرموده اند : « اگر بتوانی خودکشته شوی و انسان اهل نمازی بدست تو کشته نشود ، این کار را بکن » . [کنز العمال - جلد ۱۵ صفحه ۲۲] چنانکه در تاریخ غزوات صدر اسلام مکرر ملاحظه می شود که انسان های مجاهد و ایثارگر با اختصاص دادن دانه ای خرما (که تنها باقی مانده خوراک آن ها بود) به هم‌مرزم خود ، جان او را از مرگ نجات می دادند و خود به فیض شهادت نایل می شدند .

• **قانون قصاص ، ضامن بقای حیات بشر:**

اهمیت بقای حیات انسانها در حقوق اسلام به حدی است که برای صیانت و حفظ آن، "قانون قصاص" به عنوان ضامن حیات بشر مقرر گردیده است.

فلسفه وضع قانون قصاص و دیات در حقوق اسلام، حفظ جان مردم و جلوگیری از تعرض غیر مشروع اشخاص نسبت به حیات و سلامت دیگران و منع خونریزی در جامعه می باشد، چنانکه قرآن کریم فرموده است:

وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ
{قرآن کریم سوره بقره آیه ۱۷۹}

یعنی: " و شما راست در قصاص زندگانی ، ای خردمندان ، شاید پرهیزکاری کنید "

این قانون قبل از ظهور دین اسلام نیز در کتاب تورات از سوی خداوند مقرر گردیده بود و در شریعت اسلام بصورت کامل تری بیان شده است .

قرآن کریم در این خصوص چنین می فرماید:

وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَ

الْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ
قِصَاصٌ.... {قرآن کریم سوره مائده آیه ۴۵}

یعنی: " و در تورات بر ایشان نوشتیم که جان در برابر جان، چشم در برابر چشم، و بینی در برابر بینی ، و گوش در برابر گوش ، و دندان در برابر دندان ، و زخم ها برابر است...".

از دیدگاه اسلام، قصاص به هیچ وجه به مفهوم "شستن خون با خون" نیست ، بلکه وضع مجازاتی شایسته و متناسب است ، تا اشخاص حرمت حیات دیگران را پاس بدارند و از ارتکاب گناه قتل نفس اجتناب و دوری ورزند، توجه به موارد قصاص و فلسفه وجودی آن هرگونه شبهه و بداندیشی راجع به این حکم مترقی اسلامی را مرتفع می سازد.

البته باید توجه داشت که اجرای حکم قصاص در اسلام ، منوط به آنست که قتل : اولاً با سلامت عقل و ثانیاً ، بصورت عمدی صورت پذیرفته باشد و مضافاً اولیای دم با جایگزینی دیه یا عفو قاتل رضایت ندهند، در غیراین صورت حکم قصاص برای قاتلی که به دلیل

جنون یا اختلال حواس از سلامت عقلی و روانی برخوردار نباشد ، یا سلب حیات به صورت غیر عمدی یا ناشی از خطا باشد و یا مواردی که قاتل مشمول عفو یا جایگزینی دیه توسط اولیای دم گردد ، اجرا نخواهد شد ، چنانکه قرآن کریم می فرماید :

وَ مَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يُقْتَلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَأً وَ مَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَ دِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَى أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَدَّقُوا... {قرآن کریم سوره حج آیه ۶۶}

یعنی : « و نیست برای مومنی که بکشد مومنی را ، مگر به خطا و کسی که مومنی را به خطا بکشد براوست آزاد کردن بنده مومنی ، و خون بهایی که پرداخت شود به خاندانش ، مگر آن که تصدق کنند . »

با اجرای حکم قصاص ، تجرّی اشخاص به سلب عمدی حیات دیگران کاهش می یابد و حرمت حیات انسان ها مورد حمایت و صیانت قرار می گیرد .

• ممنوعیت سقط جنین :

قلمروی حمایت اسلام از حیات انسان محدود به حیات پس از تولد نیست ، بلکه شامل حیات جنین انسان نیز می شود. از دیدگاه اسلام حیات انسان در دوره جنینی و حتی پیش از تشکیل نطفه مورد توجه و حمایت قرار گرفته و سلب حیات از جنین به وسیله سقط آن ، جرم و گناه محسوب گردیده است و مرتکب آن مستحق مجازات می باشد، زیرا موجودیت انسان از زمان پیوند دو سلول جنسی اولیه آغاز میگردد و از بین بردن آن در هر مرحله ، با عنایت به تصریح قرآن کریم [قرآن کریم - سوره مائده - آیه ۳۲] ، سلب حیات از یک انسان محسوب می شود. اسلام اجازه نمی دهد که به منظور کنترل موالید (جز در موارد استثنائی و یا اضطراری) از شیوه سقط جنین بهره گیری شود، زیرا حیات جنین در همه مراحل تکامل آن ، از هنگام استقرار نطفه در رحم زن و آغاز مراحل رشد و تبدیل آن به علقه، مضغه و نهایتاً جنین کامل، مورد حمایت کامل اسلام قرار دارد و سقط یا از بین بردن آن ، قتل نفس

محرمه محسوب می شود.

حتی در اسلام سقط جنین ناشی از نطفه زنا نیز حرام دانسته شده است و بر این اساس نمی توان به سبب آنکه نطفه از زنا زنی و مرد منعقد گردیده است، آنرا از بین برد و به حیات آن خاتمه داد. هیچ منعی از نظر دین اسلام وجود ندارد که زوجین با اتخاذ تدابیر پیشگیرانه از بروز حاملگی نمایند، ولی در صورت بارداری شدن، حق از بین بردن جنین و سلب حیات از آنرا ندارند. بسیاری از علمای دینی چنین استدلال کرده اند که باتشکیل جنین ، وجود مستقلی پدید آمده است که جدا از مادر، دارای حق حیات مستقل می باشد و هیچ شخصی (جز در موارد اضطرار معین شده در شرع)، حتی پدر و مادر جنین حتی برای سلب حیات از او را ندارند.

حتی آندسته از دانشمندان اسلامی که جنین را در حکم عضوی از وجود مادر محسوب کرده اند ، با این استدلال که هیچ انسانی اختیار و اجازه ندارد تا عضوی از اعضای بدن خویش را از بین ببرد ، مادر را مجاز به

سقط جنین نمی دانند.

بدیهی است اگر سقط جنین ناشی از جنایت شخص ثالثی غیر از پدر و مادر نیز باشد ، حتی اگر شخص به قصد سلب حیات از جنین و به صورت عمدی مرتکب سقط جنین از رحم مادر هم نشده باشد ، باز هم عمل او گناه محسوب می شود و برای او مجازات دنیوی و کیفر اخروی پیش بینی شده است .

• حرمت سلب حیات از خویش

نکته قابل توجه در زمینه حق حیات از دیدگاه حقوق اسلامی ، مسئله تحریم « خود کشی » است . سلب حیات از خویشتن به صراحت مورد منع قرآن کریم قرار گرفته است . وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا {قرآن کریم سوره نساء آیه ۲۹}

یعنی : « ... و نکشید نفس هاتان را ، که خداوند به شما مهربان است » .

از نظر اسلام مالکیت تن و روان و حیات آدمی متعلق به خداوند تعالی است . او انسان را حیات و زندگی بخشیده است و هرزمان که اراده کند، آن را بازمی ستاند. از آنجا که هدف از آفرینش و حیات انسان ، نیل به کمال و سعادت مندی اوست ، لذا خود کشی در واقع عقب نشینی از وصول به کمال و سقوط به وادی ناکامی و انحطاط انسان است .

از رسول خدا (ص) روایت شده است که فرمود :
 "هر کسیکه بوسیله چیزی از دنیا خود کشی کند، روز قیامت بوسیله همان چیز عذاب خواهد شد" . [سنن دارمی - ج ۲ -

و در روایت دیگر از پیامبر اسلام (ص) نقل گردیده است: "کسی که خودش را خفه کند ، خویشان را در آتش دوزخ کرده است و کسی که به خودش نیزه بزند در آتش باشد". [کنز العمال - ج ۵ - ص ۳۵] باید توجه داشت که حرمت قتل نفس در اسلام ، مطلق است و همانگونه که سلب حیات از دیگران را شامل می شود، سلب حیات از خویشان نیز مشمول این حرمت می باشد و خودکشی از نظر اسلام از گناهان کبیره محسوب می شود و قرآن کریم برای مرتکب آن جزای سنگینی در قیامت مقرر داشته است :

وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَ ظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَ
 كَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا {قرآن کریم سوره نساء آیه ۳۰}

یعنی : " ... و هر کس این عمل را از روی تجاوز و ستم انجام دهد ، به زودی او را در آتشی وارد خواهیم کرد و آن است برخدا آسان "

علل خودکشی انسانها، سستی ایمان و اعتقاد دینی ، ضعف معنویت و اخلاق دینی ، افراط در تمایل به مادیات و خواسته های دنیوی ، بیماری های روانی یا

جسمی طاقت فرساست که هیچ یک از موارد فوق از دیدگاه اسلام علت موجهی برای ارتکاب این گناه عظیم نیست ، بلکه هر خیر و شری که انسان در طول زندگی خویش با آن مواجه شود، یا ناشی از عملکرد سوء و کفاره گناهان شخصی اوست و یا امتحان الهی است که لازم است انسان در مقابله با اینگونه سختی ها و مصائب صبر و شکیبائی پیشه سازد و راه اصلاح و شکر گزاری را برگزیند. قرآن کریم اهل ایمان را در مشکلات و سختیها دعوت به مقاومت نموده و می فرماید : « یا ایها الذین آمنوا استعینوا بالصبر والصلوة ان الله مع الصابرين » یعنی: " ای اهل ایمان در پیشرفت کار خود صبر و مقاومت کنید و به ذکر خداوند و نماز توسل کنید ، که خداوند یار و یاور صابران است. "

{قرآن کریم سوره بقره - آیه ۱۵۳}

براین اساس ادیان الهی ، بویژه شریعت اسلام ، با پدیده "مرگ خود خواسته" یا "اتانازی" مخالفت جدی نموده و آنرا از مصادیق قتل نفس قلمداد کرده اند. بدیهی است پایان بخشیدن به حیات بصورت داوطلبانه برای

انسانی که دچار بیماری لاعلاج و یا رنج تحمل ناپذیر گردیده است ، نادیده گرفتن کرامت انسانی و ارزش والای حیات انسان است و بطریق اولی توسل به مرگ غیر داوطلبانه (اوتا نازی غیر داوطلبانه) و یا مرگ اضطراری (اوتا نازی اضطراری) غیر مشروع محسوب می گردد و علاوه بر جزای مقتول ، شخصی که به خواسته یا تشخیص خود مرتکب چنین اقدامی علیه شخص بیمار گردیده باشد، به کیفر قتل نفس می رسد و رضایت یا عدم رضایت فرد مجنی علیه هیچ تاثیری در جزای او ندارد و عمل او مشمول عموم و اطلاق حرمت قتل نفس می باشد.

از پیامبر اسلام (ص) چنین روایت گردیده است که فرمود: " میان انسانهای پیش از شما مردی جراحی برداشت و از شدت بی تابی کاردی برداشت و با آن دستش را قطع کرد و از شدت خونریزی مرد. پس خداوند متعال فرمود: در گرفتن جان خود بر من پیشی گرفت، هر آینه بهشت را بر او حرام کردم."

• **سلب حیات مجاز در اسلام :**

گرچه از دیدگاه اسلام، حق حیات به عنوان موهبتی الهی و مهمترین اصل از حقوق فطری انسان محسوب می شود و صیانت از آن برای اشخاص و حکومت ها، فریضه و تکلیف الهی شناخته شده است و استفاده از هر وسیله ای که منجر به از بین رفتن سرچشمه بشریت به طور کلی و یا جزئی گردد، ممنوع و نامشروع تلقی گردیده است [اعلامیه حقوق بشر اسلامی ، ماده ۲-ب] ، لیکن نباید پنداشت که حق حیات و زندگی در اسلام مطلق و بدون استثناست ، بلکه این حق تا آنجا محترم است که حیات انسان دیگری را به خطر نیاندازد ، یا در راستای تکامل انسانی ضرورت عالی تر و مهمتری تری وجود نداشته باشد.

اینک به اختصار مواردی از امکان سلب حیات از

دیگران را بیان می کنیم :

الف- حکم قصاص: چنانکه پیشتر بیان شد، از نظر گاه دین مبین اسلام ، قصاص تنها سلب حیات از قاتل نیست ، بلکه فلسفه تشریح آن مقابله با تجاوز نامشروع

به حق حیات انسانها و تضمینی برای بقای زندگی نوع بشر است، علاوه بر اینکه قصاص قاتل در حقیقت کیفری عادلانه و متعارف محسوب می شود، و اجرای آن وجدان عمومی را که از قتل نفس محترمه ای جریحه دار گردیده است، راضی و قانع می سازد.

ب - سقط جنین اضطراری: پیشتر به تفصیل بیان شد که حمایت اسلام از حق حیات منحصر به زندگی پس از ولادت نیست، بلکه از زمان استقرار نطفه در رحم مادر، حق حیات برای جنین ایجاد می شود و جز با علت و دلیل موجه، سلب حیات از جنین مقبول و مشروع نمی باشد، گاه ممکن است ادامه بارداری برای حیات مادر مخاطره آمیز باشد، یا سلامتی مادر را از او سلب نماید و یا موجب دشواری فوق العاده (حرج) برای مادر گردد، در این صورت سقط جنین بعنوان اقدام اضطراری و به منظور رعایت مصلحت اهمّ دیگر مجاز دانسته می شود و می توان به زندگی جنین خاتمه داد. همچنین اگر جنین در رحم مادر مرده باشد، سقط او مجاز خواهد بود.

ج- محاربه با خدا و رسول و افساد در زمین :

در شریعت اسلام کسی که با جبهه گیری و جنگ عملی برای مقابله با نظام اسلامی تلاش نموده باشد "محارب" و مفسد فی الارض شناخته می شود و برای او مجازات و کیفر تعیین گردیده است. میزان کیفر محارب بسته به نوع و شدت عمل و اقدام او تعیین میگردد و چنانچه محارب مرتکب قتل دیگران شده باشد ، مجازات او سلب حیات و اعدام است . قرآن کریم در بیان کیفر محارب چنین فرموده است :

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ {قرآن کریم

سوره مائده آیه ۳۳}

یعنی : « همانا پاداش آنان که با خدا و رسولش بستیزند و راه تبهکاری در زمین پیوند، آنست که به سختی کشته شوند یا بدار آویخته شوند یا دست هایشان و پاهای ایشان به سختی بریده شود از برابر یکدیگر ، یا رانده شوند از

زمین ...» .

بدیهی است ارتکاب این گونه اعمال که امنیت عمومی مردم را مورد تعرض و تهدید قرار می دهند و موجب هراس عموم مردم می شوند ، متناسب با نوع و میزان اقدام ، مجازات مرتکبین را در پی خواهد داشت .

• **جهاد ، مظهر حیات جاودان :**

استثناء مهمی که در زمینه سلب حیات از خویش در احکام شریعت اسلام وجود دارد ، مسئله جهاد در راه خداست.

انسان مجاهد برای تحقق و استقرار و دفاع از آرمانهای الهی ، با انتخاب خود ، جان یا سلامتی جسمی خویش را در معرض خطر قرار می دهد.

جهاد در حقیقت یکی از راههای رسیدن به کمال انسانی ، بلکه مهمترین و عالی ترین مسیر تعالی انسان است.

بذل جان و مال برای اعلائی کلمه اسلام ، اقامه شعائر دین ، حفظ حریم مکتب و آزادی و دفاع از جان و مال مظلومین و ستمدیدگان ، دارای فضیلت و برتری والای است، که قرآن کریم در آیات بسیار بدان تصریح و تاکید نموده است، در نمونه ای از این آیات، خداوند تعالی برتری مجاهدان را چنین بیان می فرماید :

فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ
دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَى وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ
عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا {قرآن کریم سوره نساء آیه ۹۵}

یعنی : " ... خداوند کسانی را که با مالها و جانهای خویش کوشش می کنند ، بر خانه نشینان از نظر درجه ، برتری داده است و هر کدام را نوید نیکویی داده است و فزونی داده است خدا رزم دهندگان را بر خانه نشینان بیاداشی گران ... " .

مقام انسان مجاهد در اسلام تا آن حد والا و برتر است که رسول اکرم (ص) فرمود : " بالاتر از هر نیکی ، نیکویی است تا اینکه شخصی در راه خدا کشته شود ، که بالاتر از آن هیچ نیکویی و فضیلتی نیست " . [فقه سیاسی در اسلام - ص ۱۴]

امام علی (ع) در توصیف جهاد ، آنرا دری از دربهای بهشت دانسته است که خداوند آنرا بر روی خواص دوستان و پیروان خویش گشوده است . [نهج البلاغه - خطبه ۲۴]

اسلام نه تنها عمل انسان مجاهد را مصداق « افکندن خویش در پرتگاه » { قرآن کریم سوره بقره آیه ۱۹۵ } نمی داند ، بلکه خود را خریدار جان و مال اینگونه انسانها دانسته و می فرماید :

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمْ

الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَاً عَلَيْهِ
حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ
مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بَبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ
الْفَوْزُ الْعَظِيمُ {قرآن کریم سوره توبه آیه ۱۱۱}

یعنی : " همانا خداوند از مومنان جانها و مالهای ایشان را خرید ، زیرا برای آنهاست بهشت . جنگ کنند در راه خدا ، پس بکشند و کشته شوند ، وعده ای است بر او به حق در تورات وانجیل و قرآن ، و کیست وفادارتر بعهد خود از خدا ، پس شاد باشید به سوداگری که سودا نمودید ، و این است آن رستگاری بزرگ ."

جهاد با کفار و منافقین [قرآن کریم - سوره توبه - آیه ۷۳] ، جهاد با مشرکین [قرآن کریم - سوره توبه - آیه ۳۶] ، جهاد به منظور نشر و گسترش دین اسلام و دفع فتنه دشمنان [قرآن کریم - سوره انفال - آیه ۳۹] ، جهاد با هدف مبارزه با ظلم و بیدادگری [قرآن کریم - سوره حج - آیه ۳۹] ، جهاد جهت مقابله با پیکار متجاوزین علیه مسلمانان ، [قرآن کریم - سوره بقره - آیه ۱۹۰]

و مبارزه با نقض عهد غیر مسلمانان با دولت اسلامی [قرآن کریم - سوره توبه - آیات ۱۲ و ۱۳] ، نه تنها حق هر مسلمان است ، بلکه از دیدگاه شریعت اسلام یک وظیفه و تکلیف دینی است و مسلمانان (جز با عذر موجه) حق استنکاف و بی توجهی به این مسئولیت دینی را ندارد [قرآن کریم - سوره توبه - آیه ۸۱]

گرچه ممکن است سرنوشت انسان مجاهد ، پایان بخشیدن به حیات مادی و دنیوی او باشد ، لیکن بدون تردید حیات معنوی و جاودان را نصیب و بهره او خواهد کرد.

• دفاع شرافتمندانه و مشروع :

استثناء دیگری که بر حکم منع سلب حیات از خویش در اسلام مورد شناسایی قرار گرفته است، مسئله دفاع انسان از جان یا مال خود و یا دفاع از خانواده خویش است. روایات متعددی از پیامبر اکرم (ص) در بیان اهمیت دفاع از جان و مال و یا خاندان انسان وجود دارد که به بیان نمونه ای از آن اکتفا می کنیم :

قال رسول الله (ص) : " من قاتل دون نفسه حتی یقتل فهو شهید، و من قتل دون ماله فهو شهید، و من قاتل دون اهله حتی بقتل فهو شهید، و من قتل فی جنب الله فهو شهید. " [کنز العمال - ج ۴ - ص ۴۲۵]

یعنی : " نبی اکرم (ص) فرمود: هر که برای دفاع از جان خود کار زار کند تا کشته شود شهید است، و هر که در راه دفاع از مال خود کشته گردد شهید است، و هر که در راه دفاع از خاندانش قتال کند تا کشته شود، شهید است، و هر که در راه خدا کشته شود شهید است. "

در نظر گرفتن مقام و مرتبت شهید برای مدافع از حریم جان و مال و خانواده، نشان‌دهنده ارزش و اهمیتی است

که اسلام برای مقابله با تجاوز و ظلم نسبت به امنیت فردی و خانوادگی انسان قائل گردیده است، تا آنجا که شریعت اسلام به انسان اجازه داده در راه دفاع از امنیت خود و خانواده اش حیات خویش را به مخاطره افکند و تا سر حد کشته شدن با آن مقابله نماید.

پیامبر اسلام (ص) در فرمایشی دیگر چنین فرموده اند: " هر کس در برابر ظلم بایستد و داد خواهی کند و کشته شود، شهید محسوب می شود." [

فروع کافی - ج ۵ - ص ۵۲]

این فرمان قرآن کریم است که تاکید فرمود:

...فَمَنْ اَعْتَدَى عَلَیْكُمْ فَاَعْتَدُوا عَلَیْهِ بِمِثْلِ مَا اَعْتَدَى

عَلَیْكُمْ ... { قرآن کریم سوره بقره آیه ۱۹۴ }

یعنی: « پس آن کس که تجاوز کند بر شما، پس تجاوز

کنید براو برابر آن چه بر شما تجاوز کرده است . »

• **حق معیشت :**

علاوه بر منع سلب حیات انسانها در حقوق اسلام، موضوع حق معیشت و برخورداری از حداقل و سایل و امکانات برای ادامه زندگی و حیات نیز جزئی از حق حیات بشری محسوب می شود.

شریعت اسلام برخورداری از وسایل نخستین و ضروری برای امکان تداوم حیات را از حقوق همه انسانها می داند و برای تحقق این حق مهم و اساسی برنامه های وسیع و جامعی، بویژه در جهت ریشه کن کردن فقر و تنگدستی آحاد جامعه اسلامی، ارائه کرده است.

در اسلام مبارزه با پدیده فقر، بعنوان یک تکلیف عمومی و همگانی در جامعه، دانسته شده است و انحصارگری توسط گروه و اشخاص خاصی از مردم (اغنیاء)، به عنوان مانع اصلی برای توزیع عادلانه امکانات و منابع مالی جامعه، ممنوع گردیده است. قرآن کریم مخالفت خویش را با تداول و تمرکز ثروت جامعه توسط توانگران صریحاً اعلام و چنین فرموده است: **مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَاللرَّسُولِ وَلِذِي**

الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ كَىٰ لَا يَكُونَ
 دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ {قرآن کریم - سوره حشر- آیه ۷}
 یعنی: "آنچه خداوند بر پیامبرش از اهل شهرها ارزانی
 داشته، پس از آن خداوند و پیامبر است و برای نزدیکان
 و یتیمان و بینوایان و درماندگان راه، تا نباشد
 دستخوش گردش میان توانگران شما..."

همچنین افراد جامعه از انجام هر عملی که با حق
 معیشت انسانها در یک جامعه مغایرت دارد و موجب
 ایجاد فشار بر اقشار ضعیف و طبقه کم درآمد و اختلال
 در ضروریات زندگانی آنان می شود، نهی گردیده اند.
 بعنوان مثال: احتکار ارزاق و مایحتاج عمومی مردم، که
 با معیشت افراد مغایرت دارد و مردم را در اداره زندگی
 با مضیقه و سختی مواجه می کند، نهی شده است.

پیامبر اسلام (ص) به صراحت فرمود: "هر که احتکار
 کند، گناهکار است" [کتاب وسایل الشیعه - ج ۲ - ص ۴۲۵]
 همچنین از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود:
 «هر کس طعامی را چهل روز احتکار کند، از خدا بری
 بوده و خداوند هم از او بیزار است» {کتاب تهذیب - جلد ۶ -
 ص ۳۶۸}

• تدابیر اسلام برای تداوم حیات انسان ها :

علاوه بر منع احتکار مایحتاج عمومی ، شریعت اسلام برای فقر زدایی و مبارزه با تمرکز درآمدها و ثروت جامعه در دست اشخاص محدود و خاص ، سازو کارهای اجرائی و اقتصادی و اجتماعی مقرر نموده است ، که اعمال آن ها منجر به تعدیل و توزیع ثروت خواهد شد و ضامن عدالت اقتصادی و اجتماعی میباشد . رعایت این سازوکارها سبب میگردد تا شکاف عمیق و اختلاف طبقاتی ، که موجب ایجاد قشر توانگر و مرفه در مقابل طبقه بی بضاعت و ناتوان در اداره امور اولیه و تامین حوائج نخستین زندگی می شود ، ایجاد نگردد .

اسلام برای رفع محرومیت ها و تامین احتیاجات اولیه زندگی ، اقدام به تاسیس نهادهای مالی تشویقی و اجباری نموده است ، و با قراردادن پیشنهادی معنوی برای اینگونه نهادهای اقتصادی - اجتماعی ، جامعه اسلامی را در جهت بهبود و ارتقای وضعیت زندگی و معیشت عمومی رهنمون گشته است . برخی از این نهادهای مهم مالی عبارتند از :

۱ - انفاق : این نهاد اختیاری که مورد تاکید فراوان اسلام قرار گرفته است، در جهت ترغیب و تشویق افراد جامعه به تامین نیازهای مستمندان و محرومان می باشد، که در این زمینه دهها آیه در قرآن کریم و بیانات بسیاری از رسول گرامی اسلام (ص) وجود دارد، که به نمونه ای از آنها اشاره می کنیم ، قرآن کریم فرموده است :

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ
 أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ
 يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴿قرآن کریم
 سوره بقره آیه ۲۶۱﴾

یعنی : « مثل آنان که اموال خویش را در راه خدا انفاق می کنند ، مانند دانه ای است که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه صد دانه باشد ، و خدا چند برابر کند برای هر که خواهد ، و خداوند گشایش مند داناست . »
 همچنین قرآن کریم در مذمت عدم انفاق و کمک به نیازمندان فرموده است :

... وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي

سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ {قرآن کریم سوره توبه
آیه ۳۴}

یعنی : " ... و آنان که زر و سیم را می اندوزند و در راه خدا انفاق نمی کنند ، به عذابی دردناک نویدشان ده "

پیامبر اسلام (ص) نیز به مسلمانان می فرمود :
" از هیچیک از شما پذیرفتنی نیست که شامگاه سیر بخوابد ، حال آنکه همسایه او هنوز گرسنه باشد . "

[Human Rights in Islamic Law-p.4]

انفاق از نظر اسلام از چنان اهمیتی برخوردار است که در مرتبه بالاترین و با فضیلت ترین اعمال و عبادات ، همچون نماز، قرار گرفته است و در آیات بسیاری از قرآن کریم بلافاصله پس از نماز ذکر شده است.

[قرآن کریم - سوره ابراهیم - آیه ۳۱ و سوره بقره -

آیه ۳ و سوره انفال - آیه ۳ و سوره حج - آیه ۳۵ و ...]

۲ - خمس : یکی از نهادهای مالی، که در جهت بهبود

زندگی و معیشت نیازمندان و مصارف خاص ضروری

جامعه اسلامی پیش بینی شده است ، نهاد خمس است .

خمس حقی است که بر یک پنجم سود و باز یافت هر مسلمان تعلق می گیرد. سودی که از نتیجه کسب و کار مشروع یک مسلمان برای او حاصل می شود، پس از کسر هزینه ها و مخارج زندگی عادی او در دوره یکساله ، مشمول مالیات خمس است. همچنین یافتن گنج ، غواصی ، استخراج معادن ، غنایم جنگی و اموال مخلوط به حق غیر ، که صاحب آن معلوم نباشد ، از موارد تعلق خمس است . [اسلام و مالکیت - ص ۲۱۰]

قرآن کریم در وجوب خمس و مصارف آن چنین فرموده است :

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ
وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِن
كُنْتُمْ أُمَّتٌ بِاللَّهِ ...

{قرآن کریم سوره انفال آیه ۴۱}

یعنی : « ای مومنان بدانید آنچه را بعنوان غنیمت بدست آوردید ، بطور حتم یک پنجم آن از آن خدا و رسول خداست و از آن خویشان او و یتیمان و فقیران و درراه ماندگان است ، اگر شما به خداوند گرویده باشید ».

۳- زکات :

نهاد زکات در احکام اقتصادی اسلام ، بخشی از مال است که مسلمان متمکن باید از بعضی از دارائیهای خویش، پس از آنکه به حد نصاب معینی برسد ، پردازد. [طرح تحلیلی اقتصادی اسلامی - ص ۲۲۰]

آیات مربوط به زکات در قرآن کریم بسیار است و در اکثر این آیات ، وجوب زکات پس از پیا داشتن نماز مورد تاکید قرار گرفته است:

قرآن کریم می فرماید :

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ
 {قرآن کریم سوره حج آیه ۶۶}

یعنی : « و نماز به پا دارید و زکات بدهید ، بدانید که آنچه برای خود پیش می فرستید ، نزد خداوند خواهید یافت ، همانا خداوند بدانچه عمل می کنید آگاه است .»

همچنین قرآن کریم در بیان اوصاف کسانی که خداوند را یاری می کنند ، فرموده است :

الَّذِينَ إِذَا مَكَتَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا

الزَّكَاةَ وَ أَمْرًا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهْوَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ
الْأُمُورِ {قرآن کریم سوره حج آیه ۶۶}

یعنی : "... آنهایی هستند اگر در روی زمین به آنان
اقتدار و تمکن دهیم ، نماز پبای می دارند و زکات به
مستحقان میدهند و امر به معروف و نهی از منکر میکنند.
و برای خداوند است پایان کارها "

زکات، نهادی است که از آن می توان برای تامین
اجتماعی ، کمک به نیازمندان ، فقیران ، یتیمان ،
بیکاران ، بدهکاران ، مسافران و کسانی که در تنگناهای
زندگی گرفتارند، بهره گرفت. [طرح تحلیلی اقتصاد
اسلامی - ص ۲۲۲]

۴- خراج : مالیات خراج؛ مقدار مالی است که از
عین محصول زمین با قیمت آن گرفته می شود. این
مالیات که بر اراضی خراجی (انفال زمینی) به حسب
تشخیص حکومت اسلامی و رضایت کشاورزان و
زمین داران و مصلحت عامه مردم بسته می شود، باید
نخست مصروف آبادی زمین و وضع کشاورزان گردد.
[اسلام و مالکیت - ص ۲۱۱]

۵ - جزیه : این نهاد مالی تنها مالیاتی است که بر غیر مسلمانان بسته می شود و مخصوص اهل کتاب (پیروان و وابستگان به آئینهای خدایی و پیامبران) است. اهل کتاب با تعهد پرداخت جزیه و حفظ حریم و حرمت حدود اسلام و مسلمانان، جان و مال و ناموسشان در حریم امن و ذمه اسلام است و در حقوق و حدود با دیگر مسلمانان یکسانند. [اسلام و مالکیت - ص ۲۱۵] میزان جزیه را حاکم اسلامی بر حسب مصلحت و توانای جزیه دهنده تعیین می نماید و "قرارداد ذمه" بین جزیه دهنده و حکومت اسلامی منعقد می گردد.

در واقع جزیه مالی است که جزیه دهند . (اهل کتاب) در عوض خمس و زکات و کفاراتی که مسلمانان به حکومت اسلامی پرداخت می کنند ، به دولت اسلامی می پردازد.

۶- کفارات : یکی از نهادهای مالی در فقه اسلامی ، کفارات هستند ، پاره ای از کفارات عبارتند از مقدار مالی که برای جبران برخی گناهان باید داده شوند، مانند

کفارہ مالی قتل [قرآن کریم - سوره مائده - آیه ۴۵] ، کفارہ شکستن عهد و سوگند [قرآن کریم - سوره مائده - آیه ۸۹] ، کفارہ صید در حال احرام [قرآن کریم - سوره مائده - آیه ۹۵] .

نهاد " بیت المال " و خزانه حکومت اسلامی ، بمنظور تمرکز منابع مالی تدبیر شده در اسلام پیش بینی گردیده و نحوه و موارد مصرف از بیت المال و اولویت های مربوطه نیز در نظام مالیه عمومی اسلام به روشنی ذکر شده است و هرگونه تبعیض در استفاده از بیت المال ممنوع گردیده است .

به یقین هیچ نظام حقوقی ، همچون نظام حقوقی اسلام برای حق معیشت و تداوم حیات انسان ها و برخورداری محرومان و محتاجان از وسائل نخستین زندگی ، برنامه و تدابیر اجرایی روشنی ارائه ننموده است .

• نتیجه گیری :

توجه به آنچه در مورد حق حیات انسانی از نظرگاه اسلام بیان شد، مشخص می‌سازد که :
اولاً - نگرش اسلام به حق حیات، جامع و با هدف نیل انسان به کمال و تعالی مادی و معنوی اوست.
ثانیاً: توجه به حق حیات در مکتب اسلام، مبتنی بر واقع‌نگری و بدور از افراط و تفریط‌های نامعقولی است که در تبلیغات نظام‌های غربی مشاهده می‌شود.
در بررسی‌های تطبیقی حقوق بشر اسلامی (با قدمتی بیش از چهارده قرن)، و حقوق بشر در غرب (با قدمتی معادل دو قرن) ملاحظه شود که : نوع نگرش اسلام به مقوله حقوق بشر (از جمله حق حیات انسان) و نیز برنامه‌های اجرایی تدارک دیده شده در منابع اسلامی برای تحقق آن، موجب جاودانگی و بقای آن در طول تاریخ بشر گردیده است. متقابلاً مبتنی نبودن موازین حقوق بشر غربی بر ارزش‌های والای انسانی و بعد معنوی او از یک طرف، نداشتن راهکارهای اجرایی متناسب و کارآمد از طرف دیگر، و نیز توجه بیش از حد

به تبلیغات پوچ و افراط و تفریط ها ، سبب عدم موفقیت و کفایت لازم در ارتقای حقوق بشر (منجمله حق حیات بشر) شده است.

اینک به اختصار به مواردی از این مطالعه تطبیقی

اشاره می کنیم :

۱- نظام حقوق بشر اسلامی ، حق حیات را عطای خداوندی میداند و ارزش حیات را بر مبنای مقام و منزلت والای انسان از دیدگاه مکاتب الهی مطرح می کند ، لیکن نظام حقوق بشر غربی حق حیات را مبتنی بر دیدگاه اومانستی و در حد یک حق طبیعی برای انسان تنزل می دهد. نتیجه این نگرش در نظام حقوقی غرب آنست که حق حیات به عنوان "حق مطلق" و نامحدود تلقی می شود ، حال آنکه نظام حقوقی اسلام ، بقا و دوام این حق را مشروط به شرایطی نموده که اسلام معین کرده است.

۲- تفسیر نظام حقوقی غرب از حق حیات، تفسیری مادی و بدون توجه به بعد معنوی وجود انسان است ، حال آنکه تفسیر حق حیات در حقوق اسلام ، مبتنی

بر تمام ابعاد وجودی انسان (اعم از بعد مادی و معنوی) است. اهمیت حیات معنوی انسان از دیدگاه اسلام تا حدی است که در موارد تعارض با حیات مادی، مقدم دانسته می شود.

۳- در اسناد بین المللی حقوق بشر، حیات انسان صرفاً به عنوان یک " حق طبیعی " معرفی شده است، حال آنکه در نظام حقوقی اسلام حیات انسان هم به عنوان یک " حق " و هم " تکلیف " مورد شناسایی واقع گردیده است. بر اساس نوع نگرش اسلام به حیات، علاوه بر اینکه انسان حق سلب حیات خویش را ندارد، و مکلف به صیانت از آنست، بر انسان واجب است که چنانچه حیات شخص دیگری بدلیل بروز عوامل طبیعی یا تجاوز تعدی دیگران مورد تعرض و تهدید قرار گیرد، به حمایت و برای دفع خطر و تعرض از او قیام کند و در صورت عدم اقدام، مرتکب مصیبت و گناه بزرگی گردیده است.

۴- حکم حرمت سقط جنین (جز در موارد اضطراری از قبیل: مخاطره جانی برای مادر و یا ضرورت‌های معین

شده در شرع اسلام) یکی از امتیازات حقوق اسلام در زمینه شناسایی جامع حق حیات برای انسان و توجه به کرامت انسانی، حتی پیش از تولد اوست، حال آنکه بدان علت که در اسناد حقوق بشر غربی به حرمت سقط جنین توجهی نشده است، در اکثر کشورهای غربی سلب حیات از انسان در مرحله پیش از ولادت (سقط جنین) مجاز و قانونی شناخته شده و بعضاً مورد تشویق قرار گرفته است.

۵- در نظام حقوقی اسلام، تامین زندگی شایسته و مطلوب برای یک انسان به عنوان جزئی از حق حیات او، با عنایت به کرامت انسانی مورد توجه قرار گرفته است. [ماده ۲ اعلامیه حقوق بشر اسلامی] ، و در مقررات اسلامی برای تحقق آن راهکارهایی پیش بینی گردیده است که نهادهای مالی از قبیل : زکات ، خمس ، کفارات و صدقات از جمله این راهکارها محسوب می شود، حال آنکه در نظام حقوق بشر غربی تنها به ذکر " رفاه انسانی " و بیان مواردی محدود بسنده شده و توجهی به شاخصه کرامت انسانی نشده

است . [ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر]
 ۶ - توجه خاص مکتب اسلام به لزوم حمایت از طبقات خاص جامعه، از قبیل افراد کهنسال، زنان ، کودکان و نیز اشخاص بیمار و مجروح در نزاع های مسلحانه ، حقوق مربوط به اسرا، منع مثله کردن کشته شدگان و توجه به نوع رفتار با اسرا و خانواده های آنان ، دلالت بر عظمت نگاه اسلام به مسئله حیات بشری دارد ، حال آنکه در اسناد بین المللی حقوق بشر به این حقوق توجه کافی مبذول نگردیده است.

• منابع و ماخذ

- (۱) قرآن کریم
- (۲) نهج البلاغه
- (۳) سیره ابن هشام - ۱۸۵۸ میلادی - چاپ کتیگن
- (۴) اعلامیه حقوق بشر اسلامی
- (۵) وسائل الشیعه - شیخ حر عاملی - ۱۳۲۴ ه ق - بیروت
- (۶) کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال - علاء الدین علی - ۱۳۱۲ ه ق - حیدر اباد
- (۷) تهذیب الاحکام - شیخ طوسی - ۱۹۵۸ میلادی - نجف اشرف
- (۸) فروع کافی - محمد بن یعقوب کلینی - دارالکتب الاسلامیه ۱۳۷۸ ه ق - تهران
- (۹) سنن دارمی - عبدالله بن بهرام دارمی - چاپ دمشق - موسسه الرسول - بیروت
- (۱۰) اسلام ومالکیت درمقایسه با نظام های اقتصادی غرب - آیت الله طالقانی - ۱۳۵۹ ه ش - تهران

- (۱۱) فقه سیاسی در اسلام - محمد صالح الظالمی -
پیام آزادی ۱۳۵۹ ه ش - تهران
- (۱۲) طرح تحلیلی اقتصاد اسلامی - دکتر بناء
رضوی - بنیاد پژوهشهای اسلامی - ۱۳۶۷ ه
ش - مشهد
- (۱۳) حقوق بشر در اسلام - دکتر عسکر حقوقی -
دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکزی - ۱۳۷۶ ه
ش - تهران
- (۱۴) اسلام و حقوق بشر - زین العابدین قربانی -
دفتر نشر فرهنگ اسلامی - ۱۳۷۵ ه ش -
تهران
- ۰ (۱۵)

Human Rights in Islamic Law-Tahir
mahmoud - New Delhi - 1993

- ۱۶- حقوق بشر در سه نظام حقوقی : حقوق بین
الملل ، حقوق اسلام و حقوق ایران - دکتر عباس
خواجه پیری - انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی
واحد تهران مرکزی - ۱۳۸۱ ه ش